

شلیکٔ مرموز به یکی از قوی ترین مردان ایران



اخبار

گروه حوادث/ مردان مسلح با حمله شبانه به یکی از قوی ترین مردان ایران، با شلیک دو گلوله او را راهی بیمارستان کردند.

به گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، رامین فرج نژاد، یکی از قوی ترین مردان ایران و قهرمان چندین دوره مسابقات کشوری و جهانی قوی ترین مردان، پنجشنبه گذشته از سوی چندین مرد مسلح مورد حمله قرار گرفت. یکی از دوستان رامین در گفت وگو با خبرنگار ما در تشریح جزئیات این ماجرا گفت: پنجشنبه شب، برادر کوچک رامین به نام کامران به همراه دوستانشان؛ به باغ خصوصی خود در منطقه باغستان شهریار رفته بودند. ساعاتی بعد نگهبان باغ با رامین و برادر بزرگترشان عرفان تماس گرفت و گفت به باغ حمله شده است. رامین و عرفان هم با این تصور که دزد آمده، راهی باغ شدند. عرفان زودتر از رامین به باغ رسیده بود اما مقابل باغ چند مرد را با اسلحه و قمه دید.

او ادامه داد: به محض اینکه عرفان وارد باغ شد یک نفر با کلت کمری او را تهدید کرد. در این میان رامین نیز به باغ رسید اما با افرادی که مقابل در ورودی باغ بودند درگیر شد و یکی از مردان مسلح دو گلوله به وی شلیک کرد که از ناحیه شکم مجروح شد. مردان مسلح عرفان را نیز با قمه مجروح و فرار کردند. با اعلام موضوع به پلیس تحقیقات برای شناسایی مردان مسلح و انگیزه آنها از این درگیری خوینن آغاز شده است.

سرقت صندلی پارک و پل فلزی با قیچی آهن بری

گروه حوادث/ ۲ سارق حرفه ای که صندلی فلزی پارک‌ها، پل های آهنی پارکینگ خانه‌ها و گاردیل های کنار بزرگراه را می دزدیدند از سوی پلیس شناسایی و دستگیر شدند.

به گزارش «ایران» از جندی قبل وقوع چندین فقره سرقت پل های آهنی جلوی پارکینگ ساختمان‌ها، صندلی های فلزی پارک، گاردیل و نرده های آهنی کنار بزرگراه خلیج فارس به کلانتری مخابره شد و تحقیقات ویژه برای دستگیری متهمان کلید خورد.

مأموران در نخستین گام به بررسی دوربین های مدار بسته محل های سرقت پرداختند و دریافتند که سارقان با خودرو نیسان آبی رنگ که جرتیل پشت آن بسته بود اقدام به سرقت کرده‌اند. بنابراین مشخصات خودرو به همه واحدهای گشت پلیس اعلام شد تا اینکه مأمور گشت موتوروی کلانتری ۱۷۹ خلیج فارس موفق به شناسایی خودروی سارقان شد و هنگامی که ۲ مرد جوان در بزرگراه آزادگان از خودرو پیاده شدند و با قیچی بزرگ آهن بری سرگرم باز کردن گاردیل کنار بزرگراه بودند آنها را دستگیر کردند.

سرهنگ حبیب آقایی- رئیس کلانتری ۱۷۹ خلیج فارس - گفت: در تحقیقات از متهمان آنها به ۱۰۰ فقره سرقت مشابه اعتراف کردند و پس از معرفی به مرجع قضایی با قرار وثیقه ۵۰۰ میلیون تومانی روانه زندان شدند و تحقیقات تکمیلی در این پرونده ادامه دارد.

واژگونی مرکباز پژو در جاده اهواز - خرمشهر

گروه حوادث/ واژگونی خودروی پژو در محور اهواز - خرمشهر مرگ سه مسافر را رقم زد.

دکتر محمدامین زرگر- رئیس اورژانس پیش بیمارستانی و مدیریت حوادث دانشگاه علوم پزشکی اهواز- در این باره گفت: صبح دوشنبه یک خودروی پژو در محور اهواز - خرمشهر در سه راهی جفیر به سمت تلاییه واژگون شد که در این حادثه سه نفر کشته شدند. یکی از این افراد در محل حادثه، یک نفر در مسیر انتقال به بیمارستان و دیگری در بیمارستان بقایی جان باخت. زرگر گفت: در این حادثه دو نفر دیگر نیز مصدوم شدند که توسط تکنیسین های اورژانس ۱۱۵ به بیمارستان گلستان اهواز انتقال یافتند. جانباختگان و مصدومان این حادثه، مرد بودند.

سقوط مرکباز هنگام آبیاری گلها

گروه حوادث/ مردی میانسال هنگام آب دادن به گلدان‌هایش از بالکن طبقه دوم به پایین افتاد و جان باخت.

براساس اعلام پلیس، سرهنگ «محمدعقیل سلگی» فرمانده انتظامی شهرستان شازند در بیان جزئیات این حادثه گفت: حدود ساعت ۹ صبح یکشنبه در پی اعلام گزارشی به مرکز فوریت های پلیس ۱۱۰ مبنی بر سقوط فردی از بالکن خانه اش در یکی از محله های شهرستان شازند و مرگ او، بلافاصله تیم‌های امداد و انتظامی به محل اعزام شدند . بنا بر اظهارات همسر این مرد ۵۶ ساله، شوهرش هنگام آب دادن به گل‌ها از بالکن خانه شان واقع در طبقه دوم یک مجتمع مسکونی سقوط کرده و جان خود را از دست داده بود. پرونده مرگ این مرد در دادسرا در حال پیگیری است.

مرد معتاد ، سارق دریچه فاضلاب بود

گروه حوادث/ مرد معتاد که با همدستی دوستش دریچه‌های چدنی فاضلاب خیابان‌ها را سرقت می‌کرد تا هزینه مواد مخدرش را تأمین کند بعد از دستگیری به ۱۰۰ فقره سرقت اعتراف کرد.

به گزارش «ایران»، ساعت ۵ صبح یکشنبه یکی از شهروندان در منطقه هاشم آباد در تماس با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اعلام کرد که دو مرد با خودروی پراید در کنار یک دریچه فاضلاب نشسته و با پتک روی آن ضربه می‌زنند. با توجه به اینکه در چند روز گذشته گزارش هایی مبنی بر سرقت دریچه‌های چدنی فاضلاب در جنوب تهران اعلام شده بود خیلی زود تیمی از مأموران گشت کلانتری ۱۳۲ نبرد به محل اعزام شدند. مأموران به محض حضور در محل سرقت مشاهده کردند که یکی از متهمان در حال انتقال دریچه چدنی به خودروی پراید است که در این صحنه یکی از متهمان با مشاهده مأموران پای پیاده شروع به فرار کرد و متهم اصلی پرونده از سوی مأموران دستگیر شد.

این مقام انتظامی اظهار داشت: متهم پس از انتقال به کلانتری اعتراف کرد که هر روز بین ۵ تا ۶ دریچه فاضلاب چدنی را در جنوب تهران به سرقت می‌برد که در این مدت نزدیک به ۱۰۰ فقره دزدی کرده است.

سرهنگ جهانجاه تیموری رئیس کلانتری ۱۳۲ نبرد در این باره گفت: متهم از ساعت ۵ بامداد تا ۵ صبح این سرقت‌ها را انجام داده و خودروی پراید را نیز از یکی از دوستانش به بهانه مسافرت‌کشی می‌گرفته و با آن سرقت می‌کرده که با فروش این دریچه‌ها هزینه اعتیادش به هروئین و شیشه را تأمین کرده است.سرهنگ تیموری در پایان افزود: متهم پس از اعتراف به سرقت‌ها به مرجع قضایی معرفی شد.

۷ سال انتظار در پرونده قتل برای انگشتر طلا

گروه حوادث/ با گذشت ۷ سال از قتل

پسری جوان در یکی از بوستان های جنوب تهران عامل قتل وی برای سومین بار پای میز محاکمه ایستاد.

به گزارش خبرنگار «ایران»، این جنایت خونین شامگاه بیست و هشتم تیر سال ۹۱ در بوستان نارون کباشهر رخ داد. مأموران کلانتری ۱۵۷ وقتی به محل حادثه رسیدند دریافتند چند پسر جوان بر سر موضوعی با یکدیگر درگیر شده‌اند و در این میان مهدی ۲۲ ساله کشته شده است.

بررسی ها نشان می داد پسر ۲۶ ساله ای به نام بهزاد و عمویش فاضل ۲۲ ساله با مقتول و برادر وی درگیر شده بودند که در این درگیری بهزاد با قمه به گردن و دست مهدی زده و سپس به همراه عمویش از محل گریخته است.

با شروع تحقیقات، برادر مهدی که شاهد این ماجرا بود به مأموران گفت: چند روز پیش در پارک نارون قدم می‌زدم که یک انگشتر پیدا کردم

و آن را به فاضل نشان دادم. او گفت انگشتر طلاست بعد هم انگشتر را در جیبش گذاشت و رفت. خیلی ناراحت شدم و سر همین موضوع با فاضل درگیر شدم، می‌خواستم انگشتر را از او پس بگیرم اما بهزاد که در پارک بود با دیدن این درگیری به طرفداری از عمویش جلو آمد. همان موقع برادرم مهدی هم سر رسید و به کمک من آمد. بهزاد با قمه‌ای که در دست داشت به برادرم حمله کرد و او را زد.

پلیس با اطلاعاتی که به دست آورد به ردیابی دو متهم فراری پرداخت اما ۱۳ روز بعد از جنایت بهزاد با پای خودش به پلیس آگاهی رفت و گفت: من بی گناهم. آن شب من وقتی متوجه درگیری برادر مهدی و عمویم شدم جلو رفتم اما با بدن خونین و نیمه جان مهدی روبه‌رو شدم، من نمی‌دانم چه کسی او را زده بود اما وقتی از طریق خانواده‌ام فهمیدم پلیس به عنوان متهم به قتل در تعقیب من است

خودکشی مرد عصبانی در خانه باجناق

دو نفر از اعضای خانواده همسرش را بست. دو نفر دیگر را نیز که یکی از آنها باجناقش بود با ضربه های چاقو مجروح کرد.

وی که مدعی بود تا پس نگرفتن اموالش این افراد را آزاد نمی‌کند حدود ۴ ساعت به این ماجرای گروگانگیری ادامه داد تا اینکه چند نفر از همسایه‌ها متوجه وضعیت غیرعادی ساکنان این خانه و سرو صداها شدند و خود را به خانه همسایه رساندند.

مرد جوان وقتی همسایه‌ها را پشت در خانه دید و فهمید موضوع را به پلیس گزارش کرده‌اند شروع به تهدید با چاقو کرد تا شاید راهی برای فرار پیدا کند و خود را به خیابان برساند.

اما تلاش وی بی فایده بود. فرامرز که راهی برای فرار از میان جمعیت پیدا نکرده بود، در مقابل چشمان وحشت زده مردم با چاقو شروع به خودزنی کرد و قبل از رسیدن امدادگران اورژانس و مأموران پلیس جان باخت.

جسد به دستور بازپرس جنایی به پزشکی قانونی انتقال داده شد. دو مجروح این حادثه نیز به بیمارستان منتقل شدند و تحقیقات در این باره ادامه دارد.

تصمیم گرفتیم خودم را معرفی کنم. چهار روز پس از مطرح شدن این ادعا فاضل هم به اداره آگاهی پایتخت رفت و از جزئیات درگیری گفت.

اما در ادامه تحقیقات سرانجام بهزاد به قتل اعتراف کرد و گفت: از ماجرای انگشتر طلا خبر داشتم، وقتی فهمیدم مهدی و برادرش با عموی کوچکم در پارک درگیر شده‌اند به خانه پدرم رفتم و قمه‌ای را که در پارکینگ مخفی کرده بودم برداشتم و به پارک بکشتم. بعد هم که چوب در دست داشت به من حمله کرد و من هم برای دفاع از خودم با قمه به گردنش زدم اما نمی‌خواستم او را بکشم. بعد هم با عمویم سوار یک موتور شدیم و از تهران فرار کردیم. چند روز در شهرهای شمال غرب کشور سرگردان بودیم اما به خاطر عذاب وجدان به تهران برگشتیم و تسلیم شدیم.

بهزاد در شعبه ۷۱ دادگاه کیفری یک استان تهران یای میز محاکمه ایستاد و گفت: من قاتل نیستم و برای اثبات بی گناهی‌ام سپس قاضی از پسر جوانی

www.iran-newspaper.com

تلفن گروه حوادث: ۰۲۱ - ۸۸۷۶۱۶۲۱

ایران زندگی



بهزاد مدعی شد عمویش فاضل قاتل است.

■ سومین جلسه دادگاه

در حالی که درخواست اعاده دادرسی واین بار دیگر پذیرفته شده بود وی برای سومین بار صبح دیروز در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد واین بار نیز با انکار اتهام قتل مهدی به قضات و اولیای دم گفت: باور کنی‌د من قاتل نیستم. عمویم با برادر مهدی اختلاف داشت و با قمه مهدی را زد.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا برای سومین بار حکم این پسر جوان صادر شود.

پرونده ۶ مأمور پلیس سبزوار به دادگاه برگشت

اما زمانی که پرونده برای تأیید حکم به دیوانعالی کشور رفت، از سوی قضات دیوان نقص گرفته شد. از آنجایی که نقص‌ها در مرحله تحقیقات بود، پرونده بار دیگر به شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران ارجاع شد.

قضات دیوانعالی اعلام کرده بودند که نظریه کارشناسی اسلحه، بازسازی صحنه قتل، تحقیق از مأموران و شاکیان باید بررسی و تکمیل شود. همچنین نظر کارشناسی از سوی مأموران حفاظت اطلاعات ناچا در مورد تیراندازی صورت گیرد.

به دستور بازپرس ساسان غلامی، موارد مورد نظر بررسی شد و برای دومین بار بازسازی صحنه صورت گرفت. همچنین هیأت سه نفره کارشناسی رسمی دادگستری نیز اعلام کرد که مأموران هنگام تیراندازی قانون به‌کارگیری سلاح را رعایت نکرده‌اند.

با تکمیل تحقیقات و رفع نقص‌های اعلام شده، پرونده بار دیگر با صدور کیفرخواست از سوی بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی تهران برای رسیدگی به‌دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد.

گروه حوادث/ پرونده ۶ مأمور پلیس سبزوار که در

جریان تیراندازی خیابانی ۳ نفر را به قتل رسانده بودند بعد از رفع نقص برای دومین بار در دادگاه کیفری تهران کلید خورد.

به گزارش خبرنگار جنایی «ایران»، ۴ آبان سال ۹۴ مأموران پلیس شهرستان سبزوار که به دنبال یک قاتل فراری بودند، وقتی پی بردند متهم به تهران فرار کرده با نیابت قضایی راهی تهران شدند. آنها در جاده خاوران خودروی متهم را شناسایی کرده و راه را بر او که راننده خودروی پراید بود و سرنشینان خودرو سد کردند اما وقتی با مقاومت آنها رو به رو شدند دست به اسلحه برده و در یک درگیری مسلحانه متهم فراری به‌نام فرشید ۲۴ ساله، برادر ۳۰ ساله‌اش فرشاد و یکی از دوستانش به‌نام عباس ۲۶ ساله جان باختند.

با تکمیل تحقیقات برای هر شش مأمور پلیس به اتهام سه فقره قتل عمدی، تخریب عمدی خودرو و مجروح کردن یک سرباز وظیفه کیفرخواست صادر شد و متهمان در دادگاه پای میز محاکمه ایستادند و هر ۶ نفر به قصاص محکوم شدند.

عشق و محبت به فرزندانمان هدیه کنیم

این ماجرا را به خانواده‌اش اطلاع دهد اشتباه‌های بزرگش را پنهان کرده است. متحاب رابطه خوبی نه با پدرش داشته‌ونه با مادرش چرا که اگر در حمایت آنها بود او را طرد نمی‌کردند و با کوهی از مشکلات در این جامعه بی‌رحم رهایش نمی‌کردند. والدین باید توجه کنند که فرزندان شان بیشتر از اینکه به یک گوشی یا یک تبلت ملل بالا نیازمند باشند به ابراز محبت والدین خود محتاج‌اند که دلسوزانه آنها را دوست بدارند و نگران سرنوشت شان باشند. باتسنسه ساده محبت می‌توانیم فرزندانمان را از بسیاری آسیب‌های اجتماعی نجات دهیم.

■ دکتر مهدی جوهری استاد دانشگاه

مسافرهای کوچک بی‌هویتی که قدم به این دنیا می‌گذارند تنها ازبیده یک هوس نیستند بخش عمده آنها محاصل کمبودهای عاطفی در خانواده هستند که دختران و پسران جوان را در معرض یک رابطه خطرناک قرار می‌دهد.

عشق و محبت یک نیاز اساسی است که از همان دوران طفولیت همه انسان ها به آن نیازمند هستند. در این پرونده دختر جوان در اسارت ارادت و علاقه پسر جوانی قرار می‌گیرد که با حیل و نویرنگ در صد فریب و رسیدن به هدف شوم خود بوده است. از طرفی متحاب بدون اینکه

و بعد از آن با انجام آزمایش ژنتیک و در صورت اثبات نسب می‌تواند خانواده و آوارگی نداشت و در ۶ ماه از تاریخ دادگاه گذشت و متحاب که از خانه طرد شده بود ناچار شد به‌عنوان پرستار خانگی مشغول به کار شود اما پرونده کماکان باز بود تا اینکه در بهمن ماه سال جاری نوزادش متولد شد و آزمایش دی‌ان‌ای صحت ادعای او را در دادگاه اثبات کرد. در ادامه رسیدگی به این پرونده مهرداد بار دیگر به دستور

گرفت مسأله را به مادرش بگوید، اما این کار نتیجه‌ای جز طرد از خانواده و اوارگی نداشت و در نهایت متحاب تصمیم گرفت از مهرداد شکایت کند.

با طرح این شکایت پسر جوان بازداشت شد پرونده او در شعبه یکم دادگاه البرز مورد رسیدگی قرار گرفت. اما او در دادگاه منکر ارتباط با متحاب شد و قضات او را با قرار وثیقه آزاد کردند. در مقابل

هم قاضی پرونده به متحاب گفت: باید تا زمان تولد بچه منتظر بمانی

که خانواده‌اش از موضوع باخبر شوند. بنابراین تصمیم گرفت تا از مهرداد بخواد تا به خواستگاریش برود اما طرح این موضوع چهره واقعی مهرداد را برایش روشن کرد. او با صراحت ضمن متهم کردن متحاب به دروغگویی گفت: دیگر حق نداری با من تماس بگیری و اگر هم مزاحم شوی ماجرا را به خانواده‌ات می‌گویم.

متحاب چند هفته‌ای با موضوع پیش آمده و حرف‌های مهرداد کلنجار رفت. بالاخره تصمیم



نگاه کارشناسی

گروه حوادث - معصومه مرادپور/

معتاب که در آستانه جشن تولد ۲۳ سالگی و همچنین فارغ‌التحصیلی از دانشگاه قرار داشت، تصمیم گرفت جشن کوچکی در کنار خانواده و دوستان صمیمی‌اش برگزار کند. از این‌رو به همراه دوستش آنها را به یک مرکز خرید بردند تا کفش و لباسی برای جشن پیش رو خریداری کنند تا اینکه پس از یک ساعت در نهایت کفش دلخواه در مغازه‌ای که فروشنده‌اش پسر جوانی بود نظر آنها را جلب کرد و دقیایکی بعد هم معتاب خوشحال از خریدی که انجام داده با لعی‌ا به خانه برگشتند. معتاب پس از ورود به خانه در حالی که قصد داشت کفش خریداری شده را به مادرش نشان دهد در جعبه را باز کرد اما به محض باز کردن جعبه جا خورد. چرا که فقط یک لنگه کفش داخل جعبه بود. بلافاصله از روی فاکتور خرید با تلفن مغازه تماس گرفت و اعتراض کرد. فروشنده جوان هم با عذرخواهی از او خواست برای گرفتن لنگه دیگر کشفش به مغازه‌اش برود.

معتاب ساعتی بعد به مغازه رفت و کفش را گرفت اما انگار این تازه شروع یک داستان پر ماجرا با مهرداد همان فروشنده مغازه بود. مهرداد آن روز با چرب زبانی